



## \* طرزی و سراج الاخبار

\* بشیر سخاورد

\* چاپ محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی (عرفان)،

\* چاپ اول، ۱۳۸۶.

## طرزی و سراج الاخبار

اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی افغانستان به ویژه در یکی دو قرن اخیر به گونه‌ای بوده است که تحلیل‌های زیادی را در پی داشته است. از جمله تحلیلگران برجسته افغانستان که به مبارزه قلمی بر ضد استبداد داخلی و استعمار خارجی پرداخت محمود طرزی، سردبیر مجله سراج الاخبار بود. بشیر سخاورد از جمله محققان برجسته‌ای است که در کتاب خود «طرزی و سراج الاخبار» به معرفی، بررسی و تحلیل این شخصیت مبارز افغانی و همچنین مجله سراج الاخبار پرداخته است تا گامی در راه شناساندن وی و اندیشه‌های بلندش، به جامعه افغانستان و همه کشورهای که طعم تلخ استعمار و استبداد را چشیده‌اند برداشته باشد. این کتاب شامل بخش‌های متنوعی است و اطلاعات ارزشمندی را در مورد زندگی و اندیشه‌های محمود طرزی و همین‌طور مجله سراج الاخبار در اختیار علاقه‌مندان به اوضاع افغانستان و شخصیت‌های برجسته این کشور قرار می‌دهد. جناب سخاورد در کتاب خود پس از ذکر پیشگفتاری کوتاه از دکتر اسدالله حبیب به نگارش مقدمه‌ای زیبا و تأثیرگذار پرداخته است و سخن را این‌طور آغاز کرده است که: «طرزی در سال ۱۹۰۳ میلادی به وطن محبوبش برگشت. از آن روز تا این زمان، اندکی بیش از صد سال می‌گذرد. او در سال ۱۹۱۱ میلادی مهم‌ترین برنامه‌اش را برای تغییر و تحول افغانستان با نشر سراج الاخبار آغازید و آثار مهم در این نشریه به چاپ رساند، ...». در ادامه از اندیشه‌های بلند طرزی سخن به میان آورده و بیان داشته است که، طرزی استعمار انگلیس را تنها عامل عقب‌ماندگی افغانستان از دیگر کشورهای جهان نمی‌داند بلکه عدم اتحاد مردم کشورش و تجرید و دور نگذاشتن این کشور از سایر کشورها را از دیگر عوامل تأثیرگذار در وضع افغانستان آن دوران می‌داند. سپس نویسنده به اوضاع تأسفار کشورش اندوه می‌خورد و می‌گوید: «در ماه مارچ سال ۲۰۰۵ میلادی در جلال‌آباد کار می‌کردم ... شهری که توسط جلال‌الدین اکبر، آباد شد. به جای آنکه نمایانگر پیشرفت اجتماعی باشد، نمونه‌عجیبی از عقب‌گرایی و فقر تمدن بود. در جلال‌آباد بزرگ‌ترین افتخار مرد این است تا چهار زن داشته باشد و مکرر به زیارت کعبه برود. اینکه چگونه با زن‌هایش رفتار می‌کند و یا چگونه پول به دست می‌آورد تا چندبار به حج برود، مهم نیست»<sup>۱</sup>

آقای بشیر سخاورد در مورد کتاب خود می‌گوید: «این کتاب، مدعی جستارها و پندارهای نوینی در عالم ادبیات نیست، بلکه کوششی است عاری از تجمل زبانی و حاشیه روی، تا به اصل موضوع پرداخته شود»<sup>۲</sup>. پس از مقدمه، نویسنده، سالشمار زندگی طرزی و آثار وی را بر شمرده است و در ادامه به ساختار بیرونی سراج الاخبار و واکنش‌هایی که در برابر نشر

این مجله به راه افتاده پرداخته است. وی همچنین صفحاتی از کتاب خود را به نخبگان طرزی اختصاص داده و ضمن معرفی وی به عنوان سیاستمداری ادیب، از «عبدالرحمان لودین» و «عبدالهادی داوی» به عنوان روشنفکران و نخبگانی که از بهترین همکاران طرزی بودند نام برده است.

کتاب «طرزی و سراج الاخبار» همچنین از اندیشه‌های نشنالیزمی طرزی سخن به میان آورده و گفته است که: «محمود طرزی ... اسلام را نخست وسیله اتحاد مردم افغانستان و سپس اتحاد مسلمانان جهان می‌دانست و بر همین مبنا کار می‌کرد. او باور داشت که اگر مسلمانان افغانستان، ماوراءالنهر، هندوستان و ایران متحد شوند، می‌توانند دست استعمار روس و انگلیس را از سرزمین‌هایشان کوتاه‌سازند»<sup>۳</sup>.

و در ادامه در این کتاب از کشورهای نزدیک افغانستان یعنی هندوستان، ایران و ترکیه سخن به میان آمده است، و بیان داشته است که «از میان کشورهای مسلمان، طرزی به ترکیه بیشتر توجه کرده است. این توجه کاملاً طبیعی می‌نماید، به سببی که طرزی در واقع نیم‌ترک است»<sup>۴</sup>.

عنوان بخش بعدی از کتاب آقای سخاورد «طرزی و ادبیات» است. این بخش به ذکر فعالیت‌های طرزی در حوزه ادبیات پرداخته و ضمن معرفی آثار ادبی ترجمه شده و به قلم طرزی، از مقالات ادبی وی نیز یاد کرده است. «توجه محمود طرزی به ادبیات بومی در صد سال پیش، نشان‌دهنده نبوغ این مرد است که نه تنها به حقوق اقلیت‌ها توجه داشت، بلکه مانند یک انترپولویست آگاه، موجب تشویق ادبیات بومی می‌شده و آن را جزء زیبایی‌های ادبیات یک کشور می‌دانسته است»<sup>۵</sup>.

این کتاب در ادامه به تأثیر مشروطیت بر شعر افغانستان پرداخته و آن را در دو مقطع زمانی مورد بررسی قرار داده است. نخست شاعرانی که در رأس مشروطه قرار داشتند و دوم شاعران یکی دو دهه بعد، که کاملاً تحت‌تأثیر شاعران مشروطه‌خواه و پیرو آنان بودند. سرانجام آخرین بخش کتاب تحت عنوان «معارف» به تحلیل اندیشه‌ها و افکار طرزی و وارد کردن دانش‌های گوناگون به افغانستان پرداخته است. وی این دانش‌ها را نه فقط برای مردان، بلکه برای زنان کشورش نیز می‌خواست. صفحات پایانی از این کتاب نیز به این موضوع پرداخته و حضور زنان در زمان طرزی را بیان داشته است. در حقیقت بشیر سخاورد در کتاب خود «طرزی و سراج الاخبار»، تصویری شفاف از طرزی و اندیشه‌هایش را از لابه‌لای اوراق سراج الاخبار بیرون کشیده و فراروی مردم افغانستان و همه آزادی‌خواهان جهان گسترده است.

## پی‌نوشت:

۳. طرزی و سراج الاخبار، ص ۷۸.

۱. طرزی و سراج الاخبار، ص ۱۴. ۴. همان، ص ۹۵.

۲. همان، ص ۱۶. ۵. طرزی و سراج الاخبار، ص ۱۰۷.